گفت‌وگو

امام خامنه‌ای و بازتعریف نقش روحانیت در عصر جدید

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا مهدوی‌ارفع

در دنیای امروز، تبلیغ دین به یکی از چالش‌های مهم و نیازهای حیاتی جامعه تبدیل شده است. حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا مهدوی‌ارفع، در این گفت‌وگو با نگاه عمیق به سخنان رهبر معظم انقلاب و با تکیه بر آموزه‌های دینی، به بررسی ابعاد مختلف تبلیغ دین و راهکارهای مؤثر برای تقویت جایگاه روحانیت در جامعه پرداخته است. وی به موضوعاتی از جمله اهمیت جهاد تبیین در گام دوم انقلاب اسلامی، چالش‌های پیش‌روی تبلیغ دین و نقش نهج‌البلاغه به‌عنوان آیین‌نامه‌ای برای انقلاب اسلامی اشاره کرده و توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان این مسیر را با موفقیت طی کرد. این گفت‌وگو می‌تواند برای طلاب، پژوهشگران و علاقه‌مندان به موضوعات دینی و اجتماعی الهام‌بخش باشد و راهکارهای ارزشمندی را برای تقویت نقش تبلیغ دین در جامعه ارائه کند.

▫ جناب آقای مهدوی! در مصاحبه‌ای با سایت KHAMENEI.IR که در نشریه افق حوزه نیز منتشر شد، به نگرانی رهبر انقلاب درباره وضعیت تبلیغ دینی در حوزه‌ها اشاره کردید و توضیح دادید که این موضوع به‌دلیل شرایط تاریخی دوران پهلوی و اولویت‌های پس از انقلاب، به حاشیه رفته است. همچنین بر اهمیت «تبلیغ مبتنی بر تحقیق» تأکید داشتید و بیان کردید که بزرگان دین، مانند شیخ مفید و شیخ طوسی رحمهما‌الله، با ترکیب تحقیق و تبلیغ موفق بوده‌اند و این رویکرد باید در حوزه‌ها تقویت شود. اکنون اگر ممکن است، توضیحات بیشتری درباره نیاز به تحول در تبلیغ دینی و استفاده از ابزارهای نوین ارائه دهید.

• به نظر من، ورود رهبر انقلاب به این موضوع مهم در دیدارشان با وعاظ و مبلغین، از دو منظر قابل بررسی است و باید به این بحث همچنان بیشتر پرداخته شود تا بتوانیم، به یک فصل جدید از گفت‌وگوها، تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد تغییر و تحول در حوزه و جامعه برسیم.

یکی از این منظرها، خود مضمون و محتوای سخنان ایشان است که به‌نوعی جایگاه اول را برای حوزه علمیه و انتظارات منطقی از تبلیغ دینی مطرح کردند. به‌عبارت دیگر، ایشان تأکید کردند که حوزه تبلیغ باید به‌نحو شایسته‌ای در رأس اولویت‌ها قرار گیرد؛ اما جنبه دوم، زمان ورود ایشان به این بحث است. با اینکه همواره ایشان دیدارهایی متنوع با علما و مبلغان دارند؛ اما باید توجه کنیم که چرا اکنون و در این زمان خاص به این عرصه وارد شدند.

رهبر انقلاب به‌عنوان یک فقیه زمان‌شناس و آینده‌نگر، به‌خوبی می‌دانند که اندیشه و حرف خود را نباید بی‌موقع مطرح کنند که به‌جای اثرگذاری، به‌خاطره‌ای محبوس در گوشه‌ای از ذهن‌ها تبدیل شود. سخنان ایشان باید به‌موقع و به‌جا باشد تا تأثیر عملی و ماندگار بر حوزه و جامعه داشته باشد.

برخلاف روشی که بعضی از دوستان، بیانات ایشان را به‌صورت تکه‌تکه و ناقص می‌بینند، بنده معتقدم که باید این سخنان را به‌عنوان مجموعه‌ای منظم و سیستماتیک در نظر گرفت. اندیشه‌ها و اقدامات ایشان مانند قطعاتی از یک پازل هستند که به‌هم پیوسته‌اند و به هدف و چشم‌انداز بزرگی اشاره دارند. به‌عنوان مثال، اگر سخنان اخیر ایشان را در کنار بیانیه گام دوم بگذاریم، بهتر می‌توانیم به عمق و اهمیت آن پی ببریم.

بیانیه گام دوم نشان‌دهنده اعتقاد عمیق ایشان به آینده انقلاب است. ایشان با اشاره به این بیانیه، تصریح کردند که وارد چهل سال دوم انقلاب اسلامی شده‌ایم؛ دوره‌ای که باید شاهد ثمره نهایی انقلاب اسلامی باشیم. بیانیه گام دوم با محورهایی مثل علم و پژوهش شروع می‌شود و به سبک زندگی ختم می‌شود. ایشان با این نگاه، می‌خواهند جامعه‌ای نمونه بسازند که در آن زمینه‌ای برای تحقق ظهور و طلوع خورشید ولایت عظمی فراهم شود.

▫ به نظر می‌رسد، این بیانیه دارای اهمیت ویژه‌ای است. از دیدگاه شما، چه تفاوتی میان گام اول و دوم انقلاب وجود دارد؟

• دقیقاً؛ گام اول به‌نوعی مقدمه‌ای بود که ما را به جایگاه خاصی برساند و اکنون در گام دوم، دوره میوه‌چینی انقلاب اسلامی آغاز شده است. این گام دوم باید با تلاش برای جامعه‌سازی، دولت‌سازی و حتی جهان‌پردازی همراه باشد.

رهبر انقلاب به‌خوبی تشخیص داده‌اند که مهم‌ترین و آخرین مانعی که از نگاه تمدن و نظام سلطه غرب می‌تواند مانع ظهور باشد، جنگ روایت‌ها و تحریف حقایق است. ایشان در راستای این تشخیص، حدود دو سال پس از صدور بیانیه گام دوم انقلاب، حکم جهاد تبیین را صادر کردند. این موضوع نه‌تنها به‌دلیل وجود مقتضی برای روشنگری بود؛ بلکه به‌دلیل آن بود که جبهه باطل با قدرت رسانه‌ای و تحریف روایت‌ها، حقایق را وارونه جلوه می‌دهد و این امر، نیازمند مقابله فوری و جدی است.

جهاد تبیین، در واقع، قله‌ای است برای باز کردن مسیر به سمت هدف نهایی گام دوم انقلاب؛ این تکلیف بر عهده همه مردم است؛ اما رهبر انقلاب، در این مسیر تأکید ویژه‌ای بر نقش علما و مبلغان دارند. ایشان معتقدند که روحانیت و مبلغان به‌عنوان قشر اصلی مسئول جهاد تبیین، باید این وظیفه را برعهده بگیرند و در لایه‌های مختلف جامعه ایفای نقش کنند.

▫ این نگاه رهبری به جایگاه روحانیت در جهاد تبیین، چه ویژگی‌هایی دارد؟

• رهبر انقلاب، بر خلاف بسیاری از متفکران اسلامی، تنها به ارائه تئوری بسنده نمی‌کنند؛ بلکه ساختارها را نیز درک و حتی ایجاد می‌کنند. ایشان می‌دانند که اگر صرفاً از تبیین سخن بگویند، ممکن است این حرف‌ها در فضای حوزه به‌درستی جای نگیرد. برای همین است که ایشان خودشان سهمی جدی در این زمینه برعهده می‌گیرند و نقش حوزه و علما را برجسته می‌کنند و تأکید دارند که حوزه علمیه باید پیشتاز جهاد تبیین باشد.

رهبر انقلاب، علاوه بر تأکید بر اهمیت تبلیغ، ارزش علمی تبلیغ دینی را نیز به رسمیت شناخته‌اند. به‌عنوان مثال، بسیاری از علمای بزرگ ما همچون شیخ صدوق رحمه‌الله از طریق آثارشان به بهترین شکل مبلغ دین بوده‌اند. این به ما نشان می‌دهد که تبیین و تبلیغ، نیازمند عمق علمی و نگاه عالمانه است و نباید این دو حوزه را در مقابل هم قرارداد.

▫ به نظر شما، زمان‌بندی مطرح‌شدن این سخنان چقدر مهم بوده است؟

• بسیار مهم است. اگر این سخنان و تأکیدات چند سال پیش مطرح می‌شد، شاید توجه کافی را جلب نمی‌کرد. ما در آن زمان هنوز آمادگی لازم برای گام دوم انقلاب و مسئولیت‌های سنگین این مرحله را نداشتیم؛ اما اکنون که در جامعه آمادگی لازم برای ورود به عرصه جهاد تبیین ایجاد شده و ما متوجه شده‌ایم که گسترش این تبیین، شرط مقابله با تحریف است، وظیفه روحانیت و علماست که وارد میدان شوند و پرچم‌دار این حرکت باشند.

همان‌طور که حضرت آقا تأکید کردند، این یک وظیفه قطعی و فوری است. علما و روحانیت باید نه‌تنها به‌عنوان یک وظیفه دینی، بلکه برای جلوگیری از تحریف مجدد حقایق، به تبیین صحیح بپردازند. اگر این مسئولیت را به‌درستی انجام ندهیم، امکان دارد که جبهه باطل با تحریف و تغییر دوباره، این جهاد تبیین را نیز به بیراهه بکشاند.

▫ از دیدگاه شما، چرا رهبر انقلاب در این مقطع زمانی بر جهاد تبیین تأکید کردند؟ چه شرایط یا خطری باعث شده است که ایشان این موضوع را اکنون مطرح کنند؟

• سؤال بسیار مهمی است. رهبر معظم انقلاب با شناخت درست از تاریخ و درکی تطبیقی، به‌خوبی می‌دانند که امروز جامعه ما در شرایطی مشابه دوران حکومت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام قرار دارد. این شباهت‌ها ایشان را به نتیجه‌گیری مهمی رسانده که حالا زمان آن است که حکم جهاد تبیین را صادر کنند؛ درست همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه در شرایط مشابه، جامعه را به این امر فراخواندند.

در آن خطبه، حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند که برای حل مشکلات جامعه و رسیدن به آرزوها و آرمان‌ها، ارتباط صحیح و مسئولانه میان والی و رعیت ضروری است. ایشان به مردم تأکید می‌کنند که باید به‌طورجدی و خیرخواهانه این واقعیت‌ها را به یکدیگر منتقل و برای یکدیگر تبیین کنند و حتی پا را فراتر می‌گذارند و می‌فرمایند که این تبیین باید با نهایت تلاش و جدیت انجام شود؛ یعنی از همه توان و ظرفیت‌ها برای روشنگری بهره بگیرند.

باوجود دستاوردهای عظیمی که حضرت علی علیه‌السلام در مدت کوتاه حکومتشان به دست آوردند، دستگاه اموی و دشمنان با تحریف واقعیت‌ها، این دستاوردها را به ناکارآمدی تعبیر می‌کردند. این تحریف‌ها حتی به حلقه نزدیکان ایشان نیز سرایت کرده بود؛ به‌طوری‌که برخی از یاران ایشان در جلسات خصوصی زمزمه می‌کردند که علی علیه‌السلام سیاست و توان اداره حکومت را ندارد. در خطبه ۲۰۰ نهج‌البلاغه، حضرت با قسم جلاله می‌فرمایند: «وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَدْهَى مِنِّي؛ وَلَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَيَفْجُرُ؛ وَلَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْغَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَدْهَى النَّاسِ؛ وَلَكِنْ كُلُّ غُدَرَةٍ فُجَرَةٌ وَكُلُّ فُجَرَةٍ كُفَرَةٌ وَلِكُلِّ غَادِرٍ لِوَاءٌ يُعْرَفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ وَاللَّهِ مَا أُسْتَغْفَلُ بِالْمَكِيدَةِ وَلَا أُسْتَغْمَزُ بِالشَّدِيدَةِ.» معاویه از نظر سیاستمداری از ایشان برتر نیست؛ بلکه او با دو ابزار فریب و بی‌بندوباری، مردم شام را راضی نگه داشته است و حضرت علی علیه‌السلام با اشاره به اینکه اگر فریب‌دادن مردم زشت نبود، خودشان از همگان سیاست‌مدارتر بودند.

▫ به نظر شما، آیا این جهاد تبیین فقط یک وظیفه تدافعی است یا وجه ایجابی هم دارد؟

• قطعاً وجه ایجابی هم دارد. رهبر انقلاب با تحلیل دقیق، متوجه شده‌اند که تمدن غرب که بر پنج‌پایه استوار است؛ چهارپایه آن روبه‌زوال است و به‌زودی پایه پنجم نیز در معرض فروپاشی خواهد بود. جهاد تبیین، وظیفه‌ای است برای ایجاد آگاهی و مقاوم‌سازی فکری جامعه تا نظام سلطه نتواند، از تحریف به‌عنوان آخرین سلاح خود استفاده کند.

پنج‌پایه اصلی که تمدن و نظام سلطه غرب بر آن استوار است، مورد تحلیل و نقد رهبر انقلاب قرار گرفته و هریک از این پایه‌ها به‌طورجدی تضعیف شده است.

پایه اول، فلسفه غربی است که زمانی مورد ارزش و اعتبار زیادی بود؛ اما امروز کارایی خود را از دست داده و حتی متفکرانی مانند ساموئل هانتینگتون (Samuel P. Huntington) اذعان دارند که بسیاری از ایده‌های فلسفی غرب به پایان عمر خود رسیده‌اند.

پایه دوم، اقتصاد است که با چالش‌های اساسی روبه‌رو شده است. یکی از نشانه‌های این چالش‌ها، روی‌گردانی قدرت‌های نوظهور از دلار و کاهش وابستگی به آن است که ضربه‌ای جدی به سلطه اقتصادی غرب وارد می‌کند.

پایه سوم، چارچوب سیاسی غرب یعنی لیبرال دموکراسی است. غرب تا همین اواخر با افتخار از لیبرال‌دموکراسی به‌عنوان نظام سیاسی برتر یاد می‌کرد؛ اما امروز بحران‌های داخلی خودشان هم نشان داده که این ساختار دچار فروپاشی است. به‌عنوان نمونه، هانتینگتون پس از تصرف کنگره در دوران ترامپ اظهار کرد که عصر لیبرال‌دموکراسی پایان‌یافته و قدرت به‌تدریج از غرب به شرق منتقل می‌شود.

پایه چهارم، قدرت ساختاری بین‌المللی است که غرب از آن برای تحمیل پیمان‌ها و ساختارهای موردنظر خود به سایر کشورها استفاده می‌کرد؛ اما امروزه این ساختارها دیگر تأثیر پیشین خود را ندارند.

پایه پنجم و آخر، قدرت رسانه‌ای است که به‌عنوان ابزار اصلی سلطه باقی مانده است. رسانه‌های غربی به‌اندازه‌ای پیچیده و نیرومند عمل می‌کنند که دروغ‌های‌شان را با مهارت به‌گونه‌ای القا می‌کنند که حتی خودشان نیز آنها را باور دارند.

در این شرایط، رهبر انقلاب راهبردی روشن ارائه کرده‌اند. ایشان تأکید دارند که از پنج لشکر نظام سلطه، چهار لشکر سقوط کرده و تنها لشکر رسانه‌ای باقی مانده است. ایشان می‌فرمایند که اگر هر ایرانی بتواند، به‌مثابه یک رسانه عمل کند، می‌توان این لشکر را نیز خنثی کرد. بر این اساس، جهاد تبیین به‌عنوان وظیفه‌ای عینی برای همه مطرح شده و هر فرد در این مسیر نقش مهمی ایفا می‌کند.

▫ رهبر انقلاب، جهاد تبیین را وظیفه‌ای عینی و فوری می‌دانند. آیا در این زمینه، حضرت امیر علیه‌السلام نیز اشاره‌ای دارند که به ما کمک کند؟

• بله حضرت امیر علیه‌السلام در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه به همین موضوع اشاره کرده‌اند و این تبلیغ و تبیین را یک وظیفه و واجب عینی می‌دانند، نه کفایی. ایشان می‌فرمایند که هیچ‌کس آن‌قدر بزرگ نیست که به دیگران نیازی نداشته باشد و هیچ‌کس آن‌قدر کوچک نیست که نتواند در ادای این تکلیف کمک کند. این سخنرانی، در واقع، نشان از میدان‌گشایی دقیق و حرفه‌ای دارد و اهمیت بیان حقایق در زمان و مکان مناسب را به‌خوبی نشان می‌دهد.

▫ شما به رسوبات فکری قدیمی در حوزه اشاره کردید که باعث می‌شود، حوزه علمیه را مستقل از حکومت اسلامی بدانیم. آیا این دیدگاه از نظر رهبر انقلاب هم مورد نقد است؟

• بله رهبر انقلاب بارها به این مسأله اشاره کرده‌اند که این تصور اشتباهی است. در طول تاریخ، حوزه‌های علمیه اغلب از حکومت‌های جور مستقل بوده‌اند، نه از حکومت اسلامی. این نوع تفکر، به نظر ایشان، مغالطه‌ای است که برخی افراد آن را به‌عنوان عقلانیت یا استقلال حوزه مطرح می‌کنند.

رهبر انقلاب در سفر اخیرشان به قم، در جمع بزرگی از حوزویان، به این مسأله پرداختند و این تصور را نقد کردند. این سخنان ایشان واکنش‌های مختلفی در بین علما و نخبگان داشت و اتفاقاً باعث ایجاد موجی شد؛ چراکه ایشان تأکید کردند: حوزه باید با حکومت اسلامی ارتباطی نزدیک و مسئولانه داشته باشد.

▫ به نظر شما، چرا این دیدگاه به این شکل در حوزه رواج یافته است و چگونه می‌توان آن را تغییر داد؟

• یکی از مشکلات این است که در حوزه، گاهی تبلیغ و ارتباط با جامعه را در سطح پایین‌تری از فعالیت علمی می‌دانند و به‌اشتباه تصور می‌کنند که صرفاً علم‌آموزی و تدریس، وظیفه اصلی طلبه‌هاست؛ اما رهبر انقلاب با تأکید بر نقش تبلیغ به‌عنوان وظیفه اصلی و عالی‌ترین شأن حوزوی، به‌نوعی این تابو را شکستند. ایشان نمونه‌هایی از بزرگان تاریخ حوزه، مانند سیدرضی را ذکر می‌کنند که عالم‌ترین و درعین‌حال، مبلغ‌ترین بودند.

اگر نهادهایی مانند شما که به‌صورت علمی و بی‌طرفانه به این مسائل نگاه می‌کنند، این موضوع را به‌عنوان یک پرونده جدی پیگیری کنند و حتی با مخالفان آن نیز به گفت‌وگو بنشینند، می‌توان این نگرش را تغییر داد و تبلیغ را به جایگاه اصلی خود در حوزه برگرداند.

سال‌ها بود که طلبه‌ها وقتی به مناصب اجتماعی همچون امام‌جمعه یا استاد دانشگاه منصوب می‌شدند، از سوی هم‌قطاران خود، با دیدی منفی نگریسته می‌شدند و این را نوعی انحراف از مسیر علمی تلقی می‌کردند؛ اما اکنون، با تأکیدات رهبر انقلاب، این نگاه به‌تدریج در حال تغییر است. ایشان به‌نوعی فضا را باز کردند و به طلبه‌هایی که در عرصه تبلیغ، مسئولیت‌های اجتماعی و خدمت به جامعه را برعهده می‌گیرند، اعتبار دادند.

این تغییر نگاه، بسیار مهم است و امیدواریم که در حوزه، فرهنگی ایجاد شود که مبلغان مؤثر به‌عنوان افرادی ارزشمند و مهم در میان علما مورد احترام قرار گیرند.

در این رابطه، خاطره‌ای از مرحوم دکتر حسابی به یاد دارم. منزل ایشان که حالا به موزه تبدیل شده، میزگردی داشت که دور آن، صندلی‌هایی به‌همان اندازه چیده شده بود و فقط یک صندلی با قد بلندتر و متفاوت وجود داشت. دکتر حسابی، این صندلی را ویژه شهید مطهری قرار داده بودند و می‌گفتند که هیچ‌کس حق نشستن بر آن را ندارد؛ چون این جایگاه استاد است. این شأن استادی شهید مطهری نه به‌خاطر آموزه‌های صرف فلسفی‌اش؛ بلکه به‌دلیل قدرتش در انتقال و اجرای فلسفه در جامعه بود.

همین احترام به شهید مطهری نشان می‌دهد که علم، به‌تنهایی مهم نیست؛ بلکه علم باید در خدمت جامعه قرار گیرد و با زندگی مردم پیوند بخورد. مرحوم دکتر حسابی خود در لحظه مرگ هم با کتابی روی سینه‌اش در حال مطالعه بودند و به اهمیت علم باور داشتند؛ اما ایشان معتقد بودند که شهید مطهری به این دلیل جایگاهی خاص دارد که توانسته، فلسفه و معارف دینی را به‌گونه‌ای تبیین کند که در زندگی مردم جاری شود. رهبر انقلاب نیز با همین نگاه به تبلیغ، آن را جایگاه اصلی حوزه می‌دانند.

▫ این دیدگاه رهبر انقلاب درباره جایگاه تبلیغ، چه تغییراتی را می‌تواند در حوزه ایجاد کند؟

• رهبر انقلاب تلاش دارند، ارزش تبلیغ را به‌عنوان بالاترین شأن حوزوی برجسته کنند و تغییر نگرشی ایجاد کنند که شأن حوزه باید تبلیغ دین باشد؛ نه صرفاً مدرسه یا مؤلف بودن. اگر این نگاه جدی گرفته شود، تبلیغ دیگر شغل فرعی نخواهد بود و به جایگاه اصلی خود بازمی‌گردد؛ درست مانند جایگاهی که علمای بزرگی چون شیخ صدوق و سیدمرتضی رحمهما‌الله در تبلیغ داشتند. تبلیغ باید علمی و عالمانه باشد و این نگاه جدید می‌تواند جذابیت حوزه را افزایش دهد و باعث شود، نخبگان و فرهیختگان بیشتری به حوزه علمیه جذب شوند.

این تقلیل‌گرایی، از عدم درک عمق وظیفه تبلیغ ناشی می‌شود. برخی تحلیل‌ها، شأن علمی تبلیغ را پایین آورده و آن را به هر حرکت سطحی و غیرعالمانه‌ای تقلیل می‌دهند. این تفکر نه‌تنها به‌غلط شأن تبلیغ را کاهش می‌دهد؛ بلکه باعث می‌شود، افراد نخبه و فاضل، انگیزه‌ای برای ورود به این عرصه نداشته باشند. اگر نگاه رهبر انقلاب در عرصه نخبگانی گسترش یابد، می‌توانیم سطح تبلیغ را ارتقا دهیم و آن را به جایگاهی که شایسته‌اش است، بازگردانیم. این یک‌چشم‌انداز فوق‌العاده است که دوباره حوزه و روحانیت را به پایگاه واقعی دین تبدیل می‌کند.

▫ به نظر شما، چه آسیب‌هایی در تبلیغ دینی وجود دارد و چطور می‌توان آنها را برطرف کرد؟

• یکی از آسیب‌ها، اضافه‌کردن برداشت‌های نادرست و غیرعلمی به معارف دینی است. این مشکل به‌تدریج رخ داده و موجب شده محتوای تبلیغی با اصل دین فاصله بگیرد. در این وضعیت، تبلیغ دین تبدیل به محتوایی التقاطی و غیراصیل شده که بر پایه برداشت‌های ضعیف علمی و حتی بعضاً شطحیات شکل گرفته است. رهبر انقلاب در دیدار اخیر خود با خبرگان تأکید کردند که «اسلام پاسخگوی همه مسائل بشر است و همه پاسخ‌ها را از خود منابع دینی ارائه می‌دهد». این بیانات مهم نشان می‌دهد که باید به منابع دینی اصیل بازگردیم و تبیین دینی را بر پایه این منابع بنا کنیم.

▫ چگونه می‌توان این رهنمود رهبر انقلاب را در حوزه تبلیغ پیاده کرد؟

• برای تبلیغ دین، ابتدا باید شناخت عمیق‌تری از دین داشته باشیم و سپس منابع دینی را بادقت و صحت تفسیر کنیم. اگر بتوانیم این توصیه رهبر انقلاب را عملی کنیم، تبلیغ دین به جایگاه اصیل خود بازمی‌گردد و از هرگونه تحریف و التقاط دور خواهد ماند. احیای این نگاه اصیل به تبلیغ، مسیری است برای بازسازی حوزه و روحانیت و می‌تواند حوزه‌های علمیه را به پایگاهی پرجاذبه و اثرگذار برای نسل جوان و نخبگان جامعه تبدیل کند.

در اینجا خاطره‌ای را ذکر می‌کنم که تلنگری برایم بود. حدود ده سال پیش، روزی در خانه دیدم که فرزندانم بادقت به برنامه‌ای در شبکه افق نگاه می‌کردند. در این برنامه، بحثی جدی بین استاد خسروپناه و چند استاد دانشگاهی در جریان بود. یکی از اساتید که به روش غربی ریش تراشیده بود، با حالتی متواضعانه خطاب به استاد خسروپناه گفت: «به خدا قسم! در این نظریه‌های غربی هیچ خبری نیست و ما عمرمان را ضایع کردیم. شما باید به نهج‌البلاغه و معارف اسلامی بازگردید.»

این حرف برایم تلنگری شد؛ چراکه متوجه شدم، ما از منابع اصلی اسلام، مثل نهج‌البلاغه، فاصله گرفته‌ایم. حتی خودم بارها از اساتید حوزه و دانشگاه پرسیده‌ام که چند نفر از آنها یک دور کامل نهج‌البلاغه را خوانده‌اند. متأسفانه تعداد کمی از آنها این منابع را به‌طور کامل مطالعه کرده‌اند و این واقعیتی تلخ و دردناک است. این دوری از منابع اصیل باعث شده است که برخی به این باور برسند که اسلام برای پاسخگویی به نیازهای امروز بشر کافی نیست.

▫ این دوری از منابع اصلی دینی، چه آسیب‌هایی به تبلیغ و جایگاه حوزه علمیه وارد کرده است؟

• یکی از آسیب‌های جدی این است که بسیاری از تبلیغ‌کنندگان، مفاهیم التقاطی و نادرست را به‌نام دین معرفی می‌کنند. تبلیغ دین نباید تنها اسم دین را یدک بکشد؛ باید مبتنی بر منابع اصیل دینی و عمیق باشد. رهبر انقلاب در آخرین دیدارشان با خبرگان نیز بر این نکته تأکید کردند که «اسلام پاسخگوی همه مسائل بشر است و تمامی این پاسخ‌ها را می‌توان از منابع دینی یافت.» بازگشت به این منابع اصیل، بسیار حیاتی است و باید نگاه‌ها را به سمت این اصل هدایت کنیم.

یکی از مشکلاتی که این بی‌توجهی ایجاد کرده، این است که روحانیت دیگر به‌عنوان مرجع جوانان و الگوهای اجتماعی در صدر قرار ندارد. در اوایل دهه هشتاد، به‌عنوان بخشی از پیمایش ملی درباره ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان، متوجه شدیم که روحانیت دیگر در میان گروه‌های مرجع اول جوانان نیست. جایگاه روحانیون به‌عنوان الگوهای اصلی جامعه، جای خود را به افراد دیگری مثل هنرمندان و ورزشکاران داده است. این تغییر نشان می‌دهد که روحانیت از عرصه اجتماعی فاصله گرفته و نقش فعالی در حل مسائل جامعه ندارد. در نتیجه، بسیاری از جوانان دیگر روحانیت را به‌عنوان الگوی خود نمی‌دانند و این مسئله می‌تواند برای جامعه خطرناک باشد.

▫ به نظر شما، چگونه می‌توان این جایگاه از دست‌رفته را بازگرداند و حوزه علمیه را به جایگاه اصلی خود بازگرداند؟

• باید نگاه به تبلیغ را تغییر دهیم و به آن شأنی که شایسته آن است، بازگردانیم. تبلیغ دین، اگر با نگاه تمدنی و بلندمدت همراه باشد، می‌تواند مجدداً جوانان و جامعه را به‌سوی حوزه و دین جذب کند. رهبر انقلاب بارها بر نگاه تمدنی و مبارزه با جبهه باطل تأکید کرده‌اند. ما نیز باید دیدگاه خود را از سطحی‌نگری به افق‌های بلندتر تغییر دهیم و تبلیغ را به‌عنوان یک وظیفه تمدنی جدی بگیریم. تنها با این تغییر نگرش است که می‌توانیم، مرجعیت اجتماعی حوزه را احیا کنیم و دوباره روحانیت را به جایگاه اصلی خود در جامعه بازگردانیم.

▫ نقش دشمنان و عوامل بیرونی در این تغییرات چقدر مؤثر بوده است؟

• قطعاً دشمنان نیز در این روند دخالت داشته‌اند و به‌صورت هدفمند روی این مسائل کارکرده‌اند؛ اما نمی‌توانیم همه تقصیرها را به گردن عوامل بیرونی بیندازیم. حوزه و روحانیت نیز باید سهم خود را در این ماجرا بپذیرند و به نقاط ضعف خود نگاه کنند. اگر روحانیت به ایفای نقش تاریخی و اجتماعی خود نپردازد و جایگاه خود را به‌عنوان الگوی جامعه بازنیابد، دشمنان قطعاً از این فرصت سوءاستفاده خواهند کرد و آن را تبدیل به ابزاری برای تضعیف حوزه و جامعه خواهند نمود.

حدود بیست سال پیش، سالی که رهبر معظم انقلاب آن را عزت و افتخار حسینی نام‌گذاری کردند، بنده در یکی از منبرهای دهه اول محرم برای جمعی از جوانان در اصفهان سخنرانی داشتم. آن شب، قرار بود برنامه ما به‌صورت زنده از تلویزیون پخش شود. در فرودگاه تهران با تیم صداوسیما مواجه شدیم که به ما گفتند: برنامه هیأت عاشورائیان را پخش خواهند کرد. ناظر برنامه، روحانی‌ای بود که به انقلاب و اسلام اعتقادی نداشت و حتی قبل از شروع برنامه به من گفت: حاج‌آقا! فقط سیاسی صحبت نکنید.

گفت‌وگو و تنظیم: حمید کرمی، عماد شالیکاریان